خبر کوتاه

بر مدار مهدی طارمی

دیگر کمتر چهره فوتبالی در سطح حرفه‌ای پیدا می‌شود که مهدی طارمی را نشناسد؛ مهاجم ۲۸ساله و ایرانی باشگاه پورتو بعد از درخشش در ریوآوه و کسب عنوان آقای گلی لیگ پرتغال، راهی یکی از سرشناس‌ترین تیم‌های این کشور یعنی پورتو شده و حالا در هر بازی که برای آبی و سفیدپوش‌های پرتغال به میدان می‌رود، هنرنمایی می‌کند. او حتی در تازه‌ترین دیدار تیمش برابر باشگاه سابق، ریوآوه، اگرچه گلزنی نکرد ولی روی هر دو گلی که تیمش زد و بازی را برنده شد، تأثیرگذار بود. پاس گل‌هایش در روند این دیدار آن‌قدر به چشم آمد که در انتهای بازی به‌عنوان بهترین بازیکن زمین انتخاب شد.

مهدی حالا در لیگ پرتغال ۱۶ بار به میدان رفته و در این مدت هفت گل زده و هفت پاس گل هم داده است. همین مورد می‌تواند گواه تأثیرگذاری بیش از حدش در بازی‌های اخیر پورتو باشد؛ چون با همین هفت گل زده، در رده دومین گلزن برتر لیگ پرتغال در این فصل قرار گرفته و امید زیادی دارد در ادامه فصل به تعداد گل‌هایش اضافه کند تا کاری را که فصل پیش در ریوآوه انجام داد، این فصل تکرار کند. این روزها در شرایطی پورتو روی کاکل جوان بوشهری می‌گذرد که طارمی برای قرارگرفتن در ترکیب اصلی تیم با مشکلات زیادی همراه شد. آمار بی‌نظیر طارمی که تا همین‌جا روی ۳۵ درصد گل‌های زده تیمش در این فصل تأثیر مستقیم داشته (!) در حالی به دست آمده که سرجیو کونسیسائو در هفت، هشت بازی ابتدایی فصل به طارمی به چشم یک مهاجم فیکس و ثابت نگاه نمی‌کرد. بررسی آماری بازی‌های طارمی در رقابت‌های این فصل پرتغال نشان می‌دهد او از هفته اول تا هفتم به‌عنوان بازیکن ذخیره پا به ترکیب گذاشته است، آن هم با میانگین زمانی نه‌چندان زیاد. در هفت هفته نخست، مهدی به ترتیب ۳، ۱۲، ۳۶، یک، ۱۱، ۲۴ و ۵۸ دقیقه بازی کرد. این ۵۸ دقیقه آخر هم مهدی در ترکیب اصلی قرار نگرفت و از دقیقه ۳۲ به بعد وارد زمین شد. آمارش اما با همان تعداد کم دقایقی که به میدان رفت بد نبود: او یک گل زد و یک پاس گل هم داد.

بااین‌حال، از دیدار برابر سانتاکلارا از هفته هشتم بود که مهدی طارمی، دیگر به‌عنوان بازیکن ثابت در ترکیب اصلی پورتو قرار گرفت تا در مجموع و تا به الان در ۵۶ درصد بازی‌های تیمش به‌عنوان یکی از ۱۱ نفر اصلی به میدان رفته باشد. از همان زمان به بعد، آمار درخشان طارمی رو شد و او شش گل زده و شش پاس گل هم داده است. ماحصلش شده اینکه فعلا به‌صورت مشترک با هم‌تیمی‌اش، سرجیو اولیویرا هر دو با هفت گل، بهترین گلزنان پورتو هستند و در جدول رده‌بندی هم پشت‌سر هم قرار گرفته‌اند. سختی کار اما اینجاست که این دو نفر، تنها هفت‌گله‌های لیگ پرتغال نیستند: فعلا پنج بازیکن با زدن هفت گل، بعد از پدرو گونسالوس که ۱۲ گل زده، در رده دوم قرار گرفته‌اند. وجه تمایز کار مهدی طارمی با هم‌تیمی هفت‌گله‌اش اما این است که سرجیو اولیویرا چهار گلش را از روی نقطه پنالتی زده و مهدی همه را در جریان بازی. نکته برجسته دیگری که فعلا طارمی را بالاتر از چهار گلزن هفت‌گله لیگ پرتغال در جدول رده‌بندی برترین گلزنان قرار داده، تعداد پاس گل‌های او است. در بین بازیکنان گلزن، هیچ بازیکنی به اندازه طارمی (۷ پاس) پاس گل نداده است. درواقع طارمی به دو دلیل فعلا دومین گلزن برتر لیگ پرتغال است: اول اینکه گلی از روی نقطه پنالتی نزده و دوم اینکه تعداد پاس گل‌هایش از بقیه بیشتر است. این آمار فعلا برای مهدی طارمی رکورد هر ۱۱۷ دقیقه یک گل را ثبت کرده و نشان می‌دهد او به‌طور میانگین تا به الان ۰٫۴ گل زده در هر بازی دارد. البته که اگر سرمربی پورتو در هفت دیدار نخست تیمش هم به مهاجم ایرانی فرصت بیشتری می‌داد او می‌توانست به‌طرز چشمگیری به تعداد گل‌ها یا پاس گل‌هایش اضافه کند.

با وجود چنین آمار درخشانی اما به نظر می‌رسد طارمی در این فصل کار دشواری برای تکرارکردن آقای گلی‌اش داشته باشد؛ امری که غیرممکن نیست ولی با توجه به آماری که گونسالوس، وینگر اسپورتینگ از خودش بر جا گذاشته، سخت و دشوار است. پدرو گونسالوس پرتغالی بازیکن ۲۲ساله‌ای است که از ۱۴ بازی برای تیمش تا به الان ۱۲ گل زده و دو پاس گل هم داده است! نرخ گلزنی‌اش در این مقطع از فصل به‌مراتب از مهدی طارمی بهتر است و به‌طور میانگین هر ۹۸ دقیقه یک‌بار گلزنی کرده که آمار ۰٫۸ گل زده در هر بازی را دارد. البته که اگر قرار باشد مهدی طارمی در کورس آقای گلی قرار بگیرد به نظر می‌رسد باید در ادامه فصل دو اتفاق به‌صورت ثابت برایش رخ دهد: اول اینکه تمامی ۹۰ دقیقه‌ها را بازی کند (طارمی از زمانی که در ترکیب اصلی قرار گرفته، اواخر بازی تعویض می‌شود) و دوم اینکه پنالتی‌های تیم را هم رفته‌رفته خودش بزند. با توجه به اینکه او هوش بالایی در گرفتن پنالتی از بازیکنان رقیب دارد و از این هوشش تا به الان در چند دیدار برای پورتو هم استفاده کرده، چندان غیرمنصفانه نخواهد بود اگر خودش آنها را تبدیل به گل کند.

به‌هرحال فارغ از این رخداد تا همین الان، پورتو بر مدار مهدی طارمی می‌چرخد. برای مشخص‌شدن ارزش این بازیکن کافی است به این نکته اشاره شود که طارمی در ۱۰ بازی آخر پورتو در تمام رقابت‌ها موفق شده هفت گل برای تیم خود بزند. پورتو در ۱۰ بازی آخر خود در تمامی رقابت‌ها، فقط یک باخت داشته است که تنها باخت شاگردان کونسیسائو در حالی به دست آمد که این تیم در آن بازی مهدی طارمی مهاجم فرصت‌طلب خود را به‌دلیل محرومیت در اختیار نداشت. طارمی در جدال مقابل بنفیکا با تکل بدی که در میانه میدان روی پای نیکولاس اوتامندی زد، از زمین اخراج شد و در جدال مقابل اسپورتینگ در نیمه‌نهایی لیگ کاپ غایب بود. پورتویی‌ها آن بازی را بدون مهدی با نتیجه ۲ بر یک واگذار کردند و از رسیدن به فینال بازماندند.

آرزویی که علی انصاریان درباره مرگ کرد

مدافع اسبق قرمزها همیشه راوی خاطرات شیرین فوتبال است.

علی انصاریان همیشه برای گوش‌های ما، حرف‌های شنیدنی دارد. او راوی قصه‌های شیرین فوتبال است. خاطراتش همیشه مشتری دارد و با آن لبخند دل‌نشین، گاه شما را میخکوب خود می‌کند.

بودنش روی تخت بیمارستان، قاب زشتی بود که همه دوست داشتند او دوباره بلند شود اما متأسفانه نشد. به بهانه درگذشت انصاریان ، بعضی از جملات ماندگار او را در فوتبال مرور می‌کنیم.

*من رکوردار بخیه در فوتبال ایران هستم.

*یک شب با کاویانپور و علی کریمی ۱۸ ساندویچ مک دونالدو خوردیم!

*علی پروین بین دو نیمه برایمان قاطی کرد و نگذاشت حتی آب بخوریم. نیمه دوم به زمین رفتیم و بازی را بردیم. فردا روزنامه‌ها نوشتند معجزه تاکتیکی علی پروین بین دو نیمه!

*بلاژویچ دلال بود. (بعد از جدایی این مربی از تیم ملی)

*تیم ملی برای من مثل سایه ام بود. هر وقت به آن نزدیک شدم، از من دور شد.

*قلعه‌نویی و استقلالی‌ها فوتبال من را قبول دارند. (در روزهایی که آری هان از پرسپولیس او را کنار گذاشت).

*با رفتن به استقلال خودزنی کردم. انگار با خودم لج کرده بودم.

*بدترین خاطره فوتبالم، روزی بود که مقابل پرسپولیس در دربی بازی کردم.

*دوست دارم زمان مرگم را خودم تعیین کنم.

*کاش قبل از مادرم بمیرم.

*من همه زندگی‌ام را مدیون پرسپولیس هستم.

*از استقلالی‌ها تشکر می‌کنم. یکسال برای آن‌ها بازی کردم در حالی که می‌دانستند پرسپولیسی هستم، ولی حمایتم کردند.

*فضای مجازی را نمی‌توان حریم شخصی دانست، چون همه به آن دسترسی دارند!

*اگر کسی من یا فلان بازیگر یا ورزشکار را دوست ندارد، چه لزومی دارد که صفحه آن‌ها را ببیند و فحش بنویسد.

*همیشه تلاش می‌کنم خودم باشم؛ چه موفق چه ناموفق. همیشه تلاش کرده‌ام برای علی انصاریان شناسنامه خوب و واقعی بسازم.

*۹ سال در تیم پرسپولیس بودم، اما مرا نخواستند و مجبور شدم از این تیم بروم.

*قبل از یک بازی دربی در تلویزیون گفتم ما با بازیکنان استقلال دوست هستیم. تماشاگران دعوا نکنند و به تیم حریف کاری نداشته باشند. همان بازی دقیقه ۸۰ از بس نیکبخت را زده بودم، از زمین اخراج شدم!

*فرق فوتبال و سینما می‌دانید چیست؟ در فوتبال اگر اشتباه کنید، راه برگشتی نیست، ولی اگر در سینما اشتباه کنید می‌توانید کات دهید.

*من جوری که دوست دارم زندگی می‌کنم. معتقدم باید در لحظه زندگی کرد، چون نمی‌دانم یک ساعت دیگر یا فردا چه اتفاقی می‌افتد.

*همراه با برادرم بلال و آلاسکا می‌فروختم تا بتوانیم در کنار پدرم پولی در بیاوریم.

*من هیچوقت فکر نمی‌کردم فوتبالیست شوم. کسی بودم که هر جمعه به استادیوم می‌رفتم تا بازی ببینم. برایم رویایی بود که یک روز در همان زمین آزادی بازی کنم.

*مادر شریف‌ترین و پاک‌ترین موجود است. به نظر من اگر خدا می‌خواست قدرت خود را به ما نشان دهد، با آفریدن مادر این کار را انجام داده است. تمام خوبی‌های خدا در مادر خلاصه شده است.

*ما خانواده ثروتمندی نبودیم. من در یک خانه ۴۰ متری بزرگ شدم. من و محمد با هم بلال می‌فروختیم، شانسی و آلاسکا می‌فروختیم.

*در بازار پادویی کرده‌ام؛ برای اینکه پول اتوبوسی را که با آن سر تمرین می‌رفتم تامین کنم.

*هر زمان هر پولی که به دست آورده‌ام، ۷۰ درصد این پول را برای خانواده‌ام کنار گذاشته‌ام و خودم تنها ۳۰ درصد آن پول را برداشته‌ام.

تنها ملاک من انسان بودن است. پول، ثروت، شهرت و... هیچکدام برایم اهمیتی ندارد.

*حضور در جام‌جهانی واقعا آرزویم بود که متاسفانه ۲۰ روز قبل از بازی‌ها رباط صلیبی پایم پاره شد و هرگز به این آرزویم نرسیدم!

از زبان سهراب که از برادر به مهرداد نزدیک‌تر بود؛

طوفانی که در زندگی میناوند اتفاق افتاد

مهرداد میناوند که هنوز خیلی‌ها نتوانسته‌اند مرگ ناگهانی او را باور کنند، یکی از دوستان صمیمی سهراب بختیاری زاده به شمار می رفت که داغ بزرگی بر قلب رقیب دیروز و رفیق این روزهایش گذاشته و رفته. حال و روز سهراب در مراسم خاکسپاری شماره ۲۵ فراموش نشدنی فوتبال ملی ایران، آنقدر به هم ریخته بود که ما حالا پس از یک هفته که از مرگ میناوند در تاریخ هشتم بهمن ماه سپری شده، توانستیم با او هم صحبت شویم و از احساسش در مورد مرگ دلخراش دوست صمیمی اش که او را برادرش می داند، بپرسیم.

او که هنوز گویی رفتن دوست صمیمی‌اش را باور نکرده، دوباره خودش را به تهران و قطعه نام‌آوران بهشت زهرا رسانده؛ جایی که آرامگاه ابدی ستاره فوتبال ایران شده و بر سر مزار مهرداد میناوند حاضر شد تا کمی خودش را خالی کند. او در شروع صحبت‌هایش در مورد حال و روز پریشانی که در مراسم خاکسپاری مهرداد میناوند داشت، اینطور حرف هایش را آغاز کرد :« من خیلی سخت می توانم صحبت کنم. الان کمی توان صحبت کردن پیدا کرده‌ام، چون سر خاک بودم و آنجا کمی سبک شدم و کمی حالا عادی‌ام را پیدا کرده‌ام. اما هر چه می گذرد نمی توانم با کلمه مرحوم مهرداد میناوند، ملی پوش درگذشته و شادروان و این القاب کنار بیایم و در ذهنم فرو نمی رود. هنوز نمی خواهم باور کنم.»

او سپس با اشاره به ویژگی‌های شخصیتی مهرداد میناوند ادامه داد:« ما یک انسان استثنایی و استعداد بزرگ را از دست دادیم؛ یک آدم باهوش و سریع الانتقال. فوتبال را در سطح بالای اروپا بازی کرد و در رسانه فوق العاده بود. همچین استعدادی هر چند سال یکبار در جامعه فوتبال و ورزش ما به دنیا بیاید. کسی که می‌توانست با هوش ذاتی‌اش در کارهای دیگر فوتبال مثل اجرا خیلی موفق باشد و تبدیل به یک چهره تلویزیونی خیلی مهم و موفق بشود. کمااینکه بود و در تست هایی که پشت سر گذاشته بود و از او دیدیم، موفق بود؛ با توجه به اینکه شکل دیگری از هواداری را امتحان می کرد؛ نمی خواهم بگویم که تعصبش به پرسپولیس را کنار می گذاشت ولی می خواست طور دیگری طور دیگری از پرسپولیس هواداری کند و به نظرم خیلی می توانست به فوتبال ایران کمک کند و محبوب تر شود.»

سهراب سپس به انتقاد از شرایط جامعه پرداخت و اضافه کرد:« جامعه ما استعدادکش است و قدر کسانی که در جامعه تاثیرگذار هستند را نمی دانیم؛ وقتی آنها را از دست می دهیم، شروع می کنیم با القابی اسطوره سازی کنیم. اینکه بگوییم نامدار بود و قدرشناس بود و ... این ها دردی را دوا نمی کند. ما چیزی که داریم باید قدرش را بدانیم. این ها من را عذاب می دهد.»

بختیاری زاده در ادامه به مرور یکی از خاطرات خود با مهرداد میناوند پرداخت تا ذهن مردم جامعه را در مواجهه با موقعیت های مشابه در آینده بازتر کند و عنوان کرد:« می خواهم داستانی از مهرداد را بگویم که همیشه با من در میان می گذاشت و خوب است مردم عزیزمان بدانند تا شاید از این به بعد در رفتار و قضاوت‌هایمان کمی منصف‌تر بشویم. او همیشه از اتفاقی که سال های پیش برای او افتاده بود، غمگین و ناراحت بود. عزیزانی بودند که فیلمی از مهرداد میناوند در یک ویلا گرفته بودند و خیلی راحت آن فیلم را پخش کردند. این کاری بود که شاید در دوران جوانی خیلی ها انجامش بدهند. هیچ کس بی اشتباه نیست و هر انسانی اشتباه می کند. این موضوع همیشه مهرداد را عذاب می داد و به من می گفت چرا باید این فیلم منتشر شود؟ می گفت من متاهلم؛ زندگی دارم و بچه من بزرگ می شود. این ها چیزهایی است که من به آنها فکر می کنم. مهرداد به هر حال در این شرایط روحی و روانی بود و من می دیدم چقدر برای او سنگین است ولی در جامعه خودش را به عنوان یک انسان سرزنده و شاداب نشان می داد و همیشه به همین خاطر من او را تحسین می کردم.»

بازیکن سابق استقلال با گفتن این حرف که برادرش را از دست داده، این بخش از صحبت هایش را پایان برد:« من یک برادر را از دست دادم. خدا می داند. هنوز نمی توانم هضم کنم که این عزیز را اینقدر راحت از دست داده ام.»

سهراب بختیاری در پاسخ به این سوال که در یکی از سخت‌ترین برهه‌های زندگی شخصی مهرداد میناوند در کنار او بوده و به مهرداد کمک کرده تا به شرایط عادی زندگی بازگردد و زندگی جدیدی را برای خود بسازد، اینطور توضیح داد:« من در همان برهه هم من شاهد مشکلات روحی و روانی او بودم. تمام موهای او شروع به ریختن کرد و مجبور شد آمپول کورتون بزند. به هر حال بگذارید من راحت صحبت کنم؛ مهرداد میناوند یکی از بازیکنان های شاخص و ماشاالله خوش برو رو و خوشگل تیم ملی بود و ناگهان طوفانی در زندگی اش اتفاق افتاد. من خودم شاهد بودم که آمپول می زد تا بتواند شکل قبل را بعد از فوتبالش هم داشته باشد و کلاس های مربیگری می رفت. باز، همان زمان هم قضاوتش می کردند که سرطان خون دارد یا اتهامات دیگری به او می زدند. این ها عذابش می داد و ناراحتش می کرد. من به او می گفتم تو آدم با اراده و بزرگی هستی و باید با عمل خودت را ثابت کنی. این ها همه در ذهن من است. بعد از این همه تلاش و سختی برگشت به زندگی و به آرامش رسید و حالا چرا باید این اتفاق برایش بیفتد؟ خدا می داند که این اتفاق چقدر برای من دردآور است.»

سهراب بختیاری زاده سپس در واکنش به این سوال که مهرداد میناوند خیلی نسبت به جایگاهی که داشت، متواضع‌تر بود، گفت:« دقیقا همینطور است. الان نیست ولی خدایش هست. الان هم اگر آماری از فوتبالیست های بعد از انقلاب بگیرید، مهرداد جزو سه فوتبالیست برتر است ولی اینقدر متواضع و خاکی بود که ... البته یک برهه ای هم بود که شاید اشتباه هم می کرد، کری می خواند و عامیانه رفتار می کرد و شاید توهین هم می شنید. جدا از اینکه تیم رقیبش مورد علاقه من بود، این خللی در دوستی ما وارد نمی کرد؛ چون ذات مهرداد را می شناختم و می دانستم که چقدر احساسی است. می دیدم این چیزها را. خیلی وقت ها اگر اتفاقی می افتاد، خودش برای عذرخواهی پیشقدم می شد. واقعا آدم شجاعی بود. من ریز و درشت مهرداد را می دانم. ما یک استعداد، یک آدم باهوش و یک انسان متواضع را از دست دادیم که عاشق پرسپولیس بود و واقعا ما هر چند سال یکبار بتوانیم همچنین ورزشکار و هنرمندی را دوباره در جامعه داشته باشیم؛ ولی من تا ابد افسوس می خورم و احساس می کنم یکی از برادرانم را از دست داده ام.»

از بازیکن استقلال در این رابطه پرسیدیم که آیا کمی برایمان از شرایط خانواده مهرداد میناوند بگوید و او در واکنش به این سوال اینطور توضیح داد:« خب خیلی سخت است. برای همه. هر خانواده ای که عزیزی از دست می دهد، من فقط برای آنها از خدا طلب صبر می کنم. برای خانواده آقای میناوند، برای شبنم عزیز همسر آقا مهرداد فقط از خدا آرزوی صبر می کنم. هر وقت کاری داشته باشند، مثل یک برادر در کنارشان خواهم بود. گفتم که مهرداد برادر من است ولی هیچ کس نمی تواند جای مهرداد را برای آنها پر کند.»

تحلیل سایت روسی از احتمال جدایی آزمون در تابستان

بهترین زمان برای تغییر

طبق روال رایج در سال‌های اخیر با باز شدن پنجره نقل‌وانتقالات یکی از شایعات معمول در فوتبال روسیه احتمال جدایی سردار آزمون و حضورش در یک لیگ معتبر اروپایی است. اتفاقی که تاکنون رخ نداده و این‌بار هم با تمام شدن مهلت جابه‌جایی بازیکنان در ژانویه او همچنان در لیگ روسیه و با پیراهن زنیت به فوتبالش ادامه خواهد داد. با این حال افزایش شایعات پیرامون او در ماه‌های اخیر باعث شده احتمال جدایی او در تابستان قوت بگیرد و شاید سرانجام شاهد ترک روسیه ازسوی او پس از ۸سال باشیم.

سایت «اسپورت‌باکس» این کشور در گزارشی از وضعیت این مهاجم ایرانی می‌نویسد: «شواهد حکایت از آن دارد که سردار آزمون نهایتا در تابستان از جمع بازیکنان زنیت جدا خواهد شد. باشگاه در فکر فروش او و درآمدزایی از انتقال این مهاجم گلزن است و گفته می‌شود تابستان۲۰۲۱ نهایتا باید منتظر انتقال او به یک لیگ دیگر باشیم. فروش این مهاجم ۲۶ساله در مقطع فعلی اصلا منطقی نبود و مشخص بود که نباید به شایعات توجه کرد. فروختن او مثل این بود که نیمکتی که روی آن می‌نشینید را بفروشید. او درکنار آرتم زیوبا مهم‌ترین اسلحه زنیت در دو فصل اخیر محسوب می‌شوند. هرکدام از آنها فصل قبل ۱۷گل زدند و در صدر جدول گلزنان قرار گرفتند. امسال هم هر دو آمار خوبی دارند و زنیت با کمک این زوج تهاجمی امیدوار است بازهم از عنوان قهرمانی خود در لیگ دفاع کند.»

این سایت در ادامه با اشاره به وضعیت قرارداد سردار با زنیت آورده است: «قرارداد کنونی آزمون با زنیت در تابستان۲۰۲۲ به پایان می‌رسد و تکلیف فروش یا تمدید قرارداد این بازیکن باید در پایان همین فصل مشخص شود. اگر زنیت بتواند فاتح لیگ شود و سردار هم همانند فصل قبل بهترین گلزن این مسابقات لقب بگیرد مسلما قیمت او در حد مطلوبی بالا خواهد رفت و این یعنی درآمدزایی مناسب از فروش این بازیکن. این نکته را نیز باید در نظر داشت در پاییز سال آینده او فرصت درخشش دوباره در لیگ قهرمانان را خواهد داشت اما برای نمایش توانمندی‌هایش در جام ملت‌های آسیا به‌همراه تیم‌ملی ایران باید تا سال۲۰۲۳ صبر کرد و به‌نظر نمی‌رسد تا آن زمان تغییر خیلی زیادی در قیمت او ایجاد شود. در چنین شرایطی فروش او در تابستان می‌تواند گزینه‌ای منطقی برای زنیت باشد.»

این سایت در ادامه به افزایش قیمت آزمون در این مدت اشاره کرده و ادامه می‌دهد: «با نگاهی به سایت ترانسفرمارکت می‌بینیم ارزش این بازیکن ۲۳میلیون یورو برآورد شده است، درحالی که قیمت او در آوریل۲۰۱۹ تنها ۱۱٫۵میلیون یورو بود و البته زنیت برای خرید او به رابین‌کازان مبلغی بین ۱۰ تا ۱۲میلیون یورو پرداخت کرد. به این ترتیب مشخص است باشگاه سود خوبی از حضور او داشته و ارزش این بازیکن در مدت کمی بیش از دوبرابر شده است. درکنار این منفعت مالی، زنیت از گلزنی و درخشش او در ترکیب تیم نیز بهره برده و موفقیت‌های زیادی در زمین مسابقه به‌دست آورده است. در این میان نقش قربان بردیف در پیشرفت او را نمی‌توان نادیده گرفت. این مربی در دسامبر۲۰۱۲ تنها با پرداخت ۷۵هزار یورو آزمون را به رابین‌کازان برد و سپس در روستوف هم سرمربی او بود. این مهاجم ایرانی هم قدردان مربی خود است و درباره بردیف می‌گوید: «او پدر فوتبالی من محسوب می‌شود. نکات بسیاری از او فراگرفتم و همیشه پیشنهاداتم را به او می‌سپارم تا درباره آنها تصمیم بگیرد. فرقی نمی‌کند از کدام کشور و چه تیمی باشد، نظر اول و آخر را بردیف می‌دهد.» انتقال او به تیمی جدید برای خودش نیز از نظر مالی آورده خوبی خواهد داشت. به نوشته یکی از روزنامه‌های کازان او در ابتدای حضورش در روسیه و تیم رابین، سالی ۳۰۰هزار یورو دریافت می‌کرد و در روستوف این عدد به ۷۰۰هزار یورو افزایش یافت. در بازگشت به رابین‌کازان حقوق سالیانه سردار به ۱٫۵میلیون یورو رسید و حالا در زنیت سالی ۳میلیون یورو دستمزد می‌گیرد. البته همین حالا هم با توجه به استانداردهای فوتبال اروپا، این عدد خوبی محسوب می‌شود اما مسلما حضور در تیمی بزرگ در لیگ‌های معتبر باعث خواهد شد این عدد بازهم با افزایش همراه باشد.»

مقصد کجاست؟

این سایت با پرسیدن این سوال که حالا مقصد بعدی این ستاره ملی‌پوش چه باشگاهی خواهد بود، چنین ادامه می‌دهد: «آزمون در روسیه به تمام افتخارات دست یافته است. دو قهرمانی در لیگ و همچنین فتح جام‌حذفی و سوپرجام روسیه و انتخاب به‌عنوان بهترین گلزن فصل باعث شده او به همه اهدافش در این کشور دست پیدا کند. او در سه شهر زیبای روستوف، کازان و سن‌پترزبورگ زندگی کرده و حالا در ۲۶سالگی شاید زمان یک تغییر بزرگ فرا رسیده است. این سن به‌نظر بهترین زمان برای رفتن به لیگی بزرگ‌تر و تیمی نامدارتر است تا بتواند چالشی جدید را در زندگی ورزشی‌اش تجربه کند. خودش پیش از این گفته بود: «من در روسیه نکات زیادی را فراگرفتم و حالا اگر این شانس را داشته باشم که در لیگ دیگری بازی کنم چرا آن را رد کنم؟ به‌نظرم هدف هر ورزشکاری باید رسیدن به سطوح بالاتر باشد.» مسلما لازم به یادآوری نیست که تیم‌های زیادی درحال حاضر مشتری بالقوه او محسوب می‌شوند به‌خصوص اگر زنیت همان ۲۰میلیون یورویی را که قبلا گفته شده بود برای فروش او درخواست کند. به تازگی حتی خبر ابراز تمایل دورتموند برای به خدمت گرفتن او و استفاده به‌عنوان جانشین ارلینگ هالند درصورت جدایی‌اش منتشر شده بود. البته با احترام به آزمون باید گفت این سناریو کمی غیرواقعی به‌نظر می‌رسد چراکه فوتبال در بوندس‌لیگا بسیار سرعتی‌تر، سخت‌تر و درگیرانه‌تر از چیزی است که ما در روسیه داریم. در ابتدای این فصل نیز شایعه پیشنهادات ناپولی و آرسنال مطرح شده بود که این قضیه حتی به مرحله مذاکره هم نرسید. البته درنهایت همه‌چیز به مدیربرنامه‌ها بستگی دارد و آنها هستند که سرنوشت یک بازیکن را رقم می‌زنند. آزمون درحال حاضر با فالی رمضانی، ایجنت آلبانیایی کار می‌کند که ارتباطات خوبی با سری Aو لیگ برتر انگلیس دارد و به همین دلیل خبر پیشنهاد ناپولی را می‌توان جدی‌تر در نظر گرفت. ازسوی دیگر زنیت نیز در سال‌های اخیر بازیکنی چون پاردس را به پاری‌سن‌ژرمن فروخته و البته با تیم‌های چینی نیز رابطه خوبی دارد. با این حال درنهایت این خود بازیکن است که باید درباره آینده‌اش تصمیم‌گیری کند و البته در این مورد خاص، نظر پدر فوتبالی او هم تاثیر زیادی در انتخاب بعدی این مهاجم ایرانی خواهد داشت.»

اخبار

این بار سینما و فوتبال باهم گریستند؛
علی تاب تنهایی مهرداد را نداشت

انصاریان که همزمان با زنده یاد مهرداد میناوند به بیماری کووید-۱۹ مبتلا شده بود، پس از مبارزه سخت با این ویروس نتوانست مقاومت خود را ادامه دهد و متاسفانه در روز چهارشنبه دار فانی را وداع گفت.

این در حالی است که در روزهای گذشته وضعیت جسمانی انصاریان به شکلی امیدوارکننده تغییر کرده بود و حتی علی پروین اسطوره فوتبال ایران گفتگوی کوتاه تلفنی با او داشت اما متاسفانه در ساعات آخر روز دوشنبه شرایطش به شکلی شد که تیم پزشکی وی را به خواب مصنوعی برد.

در همین حین اخبار ضد و نقیض از بیمارستان فرهیختگان مخابره می‌شد که نگرانی های فوتبال‌دوستان را به دنبال داشت تا حدی که مهدی ترابی، افشین پیروانی و... یا انتشار چند استوری از مردم خواستند تا برای انصاریان دعا کنند.

دکتر هاشمیان پزشک معالج او که خبر بیهوشی مصنوعی علی انصاریان را اعلام کرده بود، در یک لایو اینستاگرامی با لحنی ناامیدانه درباره وضعیت او صحبت کرد و داماد خانواده انصاریان هم به همین شکل پاسخ پیگیری خبرنگار ما را داد تا این که این اتفاق تلخ به وقوع پیوست.

درگذشت علی انصاریان در حالی اتفاق می‌افتد که فضای جامعه فوتبال تحت تاثیر مرگ نابهنگام مهرداد میناوند بر اثر کرونا قرار داشت و حالا یک پیشکسوت دیگر هم از جمع ستارگان فوتبال ایران جدا می‌شود.

علی انصاریان ۴۳ ساله سابقه ۷ فصل بازی برای پرسپولیس و یک سال حضور در استقلال را دارد. او همچنین شش بازی ملی انجام داد و فوتبال خود را در شاهین بوشهر کفش هایش را آویخت.

او سابقه گلزنی به بایرن مونیخ و دروازه بان اسطوره ای این تیم اولیور کان را با پیراهن پرسپولیس دارد.

انصاریان پس از پایان دوره بازی، یک قطعه موسیقی منتشر و در چیزی حدود ۲۰ فیلم سینمایی و سریال نیز بازی کرد و توانایی اش در این عرصه را نیز به نمایش گذاشت.

روزنامه امتیاز؛ این مصیبت وارده به جامعه ورزش را در ابتدا به خانواده او و سپس اهالی ورزش تسلیت می‌گوییم و برای دوستداران او طلب صبر داریم.

یک ماه خوب باش و لیگ برتر ببر
فرمول عجیب قهرمانی در لیگ بیستم

بعد از اعلام فصل نقل و انتقالات از دوم اسفند لغایت ۲۸ اردیبهشت سازمان لیگ با توجه به فرصت های محدود برگزاری رقابت های لیگ برتر و جام حذفی ادامه برنامه رقابت های لیگ برتر بیستم تا پایان هفته هجدهم را اعلام کرد و براساس برنامه اعلام شده رقابت های هفته شانزدهم تا هجدهم تا هفدهم اسفند ادامه پیدا خواهد کرد و ادامه رقابت های لیگ احتمالا تا دو ماه شرایط برگزاری را نخواهد داشت.

براساس برنامه های قبلی اعلام شده روزهای ۲۰و۲۱اسفند باید دیدار تیم های لیگ برتر در جام حذفی برگزار شود و پس از آن تیم ملی برای برگزاری دو دیدار مقدماتی جام جهانی به اردو خواهد رفت و ۱۱فروردین زمان بازگشت ملی پوشان به تهران خواهد بود تا سه الی چهار تیم لیگ برتری آماده برگزاری رقابت های لیگ قهرمانان آسیا شوند که از ۲۵فروردین تا ۱۰ اسفند برگزار خواهد شد.به این اضافه کنید ایام لیالی قدر ۱۲الی ۱۶اردیبهشت را که عملا فاصله زمانی ۱۷اسفند در هفته هجدهم لیگ را تا ۱۶اردیبهشت به دو ماه خواهد رساند و سازمان لیگ تنها شاید بتواند یک بازی در ۱۵الی ۱۶ فروردین را برنامه ریزی کند و این یعنی دو ماه خارج شدن از شرایط مسابقه برای تیم ها و خستگی مفرط لیگ قهرمانان آسیا برای تیم های شرکت کننده در این تورنمنت .بازگشت تیم ها به شرایط مسابقه بعد از دوماه و جمع کردن امتیازات به شدت سخت تر از این روزهاست که تیم ها در شرایط مسابقات هستند و لیگ به صورت مرتب در حال برگزاری است . به نظر می رسد مهمترین زمان و کلیدی ترین روزهای لیگ برتر در راه است و تیم ها از ۱۶بهمن تا ۱۷ اسفند می توانند بدون توجه به فصل نقل و انتقالات بار اصلی را برای فرار بزرگ برای رسیدن به جام بیستم بردارند.۱۵ امتیاز برای همه تیم ها و ۲۱ امتیاز برای پرسپولیس و ۱۸ امتیاز برای گل گهر سیرجان در این ۳۱ روز قابل برداشت است و هر تیمی بتواند با تمرکز بالا در این یک ماه به امتیازات این روزها برسد شانس بالایی برای قهرمانی در پایان رقابت ها داشته باشد.

همیشه همین بوده و تیم هایی در پایان رقابت های لیگ برتر به قهرمانی رسیدند که توانسته اند در زمان فشردگی رقابت ها امتیازات بیشتری کسب کنند و فاصله مطمئنی قبل از هفته های پایانی ایجاد کنند.کیفیت تیم ها در لیگ امسال (نه به دلیل بار فنی) خیلی نزدیک به هم است و با دو الی سه برد تیم ها می توانند از شرایط سقوط به شرایط کسب سهمیه نزدیک شوند و حتی با یکی دو باخت از صدر جدول به میانه های جدول سقوط کنند و این یعنی بهترین فرصت !فرصت فرار برای رسیدن به صدر جدول و رسیدن به قهرمانی .

مربیان تیم ها و بازیکنان برای رسیدن به قهرمانی و کسب سهمیه یکماه حیاتی و مهم را پیش روی خود می بینند . یک ماهی که می تواند تمامی زحمات یک فصل را به بار بنشاند و یا برعکس هر چه که تیم ها کاشته اند را حرس کند. یک ماه مهم برای کادر فنی تیم ها برای برنامه ریزی و آنالیز بازی ها و گرفتن سه امتیاز های مهم. یک ماه مهم برای مدیران باشگاه ها برای تزریق آرامش به تیم ها و بازگشت سرمایه گذاری های صورت گرفته . یک ماهه مهم و حیاتی برای بازیکنان تا دل هوادارها را بدست آورند و خاطره ای ماندگار بسازند و از همه مهمتر یک ماه مهم برای هوادارها برای همراهی با تیم ها و جلوگیری از به حاشیه رفتن بازیکنان و تیم ها.